

فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۹، شماره پیاپی ۳۵، پاییز ۱۳۹۸

شاپای چاپی: ۶۷۳۵-۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۷۰۵۱-۲۴۲۳

<http://jzpm.miau.ac.ir>

مقاله پژوهشی

برنامه‌ریزی مشارکتی توسعه روستاها با تأکید بر بازارچه‌های مرزی (مطالعه موردی: شهرستان سردشت)^۱

محمد ظاهری: دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
حسین کریم زاده*: استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران
خالد علی پور: دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۴

صص ۱۲۰-۱۰۵

دریافت: ۱۳۹۷/۵/۱۰

چکیده

برنامه‌ریزی توسعه روستایی، مؤلفه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیطی و مشارکتی را در بر می‌گیرد در این راستا مهم‌ترین رکن برای رسیدن به توسعه پایدار روستایی، مدیریت مشارکتی می‌باشد. مشارکت‌های روستایی در پیشبرد برنامه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی یکی از سیاست‌های محوری توسعه و نظام برنامه‌ریزی روستایی است. بر این اساس، توجه به مشارکت به عنوان رهیافتی کارآمد، می‌تواند نقش مهمی در پیشرفت نظام مدیریتی روستاها داشته باشد. هدف پژوهش حاضر تقویت عناصر مشارکت روستایی جهت پیوند و ارتباط با بازارچه‌های مرزی و توسعه برنامه‌ریزی مشارکتی است. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر اساس محتوای کیفی استقرایی است. نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران ۳۳۵ نفر به دست آمد و داده‌های آن با نرم‌افزار SPSS، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد شاخص‌های توسعه در میان روستاهای مورد مطالعه به صورت متعادل توزیع نشده است. ساختار مدیریت روستایی و ضعف سرمایه‌گذاری‌های دولتی از مهم‌ترین عوامل و محدودیت‌های مؤثر در برنامه‌ریزی مشارکتی روستایی می‌باشد. بر اساس آزمون‌های ارائه شده تفاوت معناداری بین ارزیابی تأثیرات بازارچه‌ها از منظر کلیه ابعاد توسعه روستایی وجود دارد به طوری که ضریب معناداری در بعد زیست محیطی ۰/۰۲۹، در بعد اجتماعی - فرهنگی ۰/۰۰۴ و در بعد اقتصادی ۰/۰۱۱ می‌باشد. بر اساس نتایج آزمون کروسکال والیس و T-Test مشاهده می‌شود که روستاهای پیرامون در هر یک از ابعاد توسعه روستایی از نظر تأثیرپذیری از بازارچه‌های مرزی، دارای تفاوت‌های معنادار بودند. همچنین رابطه بین روستاها با بازارچه‌ها حالت یک طرفه دارد و روستائیان سهم چندانی از منافع آن ندارند.

واژه‌های کلیدی: برنامه‌ریزی مشارکتی، توسعه روستاها، بازارچه‌های مرزی، شهرستان سردشت.

^۱ این مقاله از رساله دکتری با عنوان «برنامه‌ریزی مشارکتی توسعه روستاهای سردشت با تأکید بر بازارچه‌های مرزی»، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی دانشگاه تبریز، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی استخراج شده است.
* نویسنده مسئول: karimzadeh10@gmail.com ، ۰۹۱۴۹۴۷۷۹۰۱

مقدمه:

روستاییان منبع عظیم و با ارزشی در جهت توسعه جامعه خود می‌باشند که دارای ایده‌ها، دانش، اطلاعات، قابلیت‌ها و نگرش‌های خاص خود می‌باشند. به منظور دستیابی به این دانش و اطلاعات و استفاده از این قابلیت‌ها در جهت توسعه روستایی، برقراری ارتباط مؤثر با روستاییان مورد نیاز است. روش ارتباط با مخاطبان، نقش بسیار مهمی برای رسیدن به نتیجه صحیح دارد. اگر بتوان ارتباط صحیح با مخاطبان روستایی برقرار نمود، نتایج تحقیق، پایه‌ای صحیح برای برنامه‌ریزی توسعه خواهد بود (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۷). مدیریت توسعه روستایی فرایند چند جانبه است که شامل سه رکن مردم، دولت و نهادهای عمومی هستند در این فرایند با مشارکت مردم و از طریق تشکیلات و سازمان‌های روستایی برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی تدوین و اجرا می‌گردد و تحت نظارت و ارزش‌یابی قرار می‌گیرد. جامعه روستایی نیز نوعی تشکل اجتماعی که بر پایه ارتباط بین مردم و نهادهای محلی مربوط با خود آن‌ها شکل گرفته است (استعلاجی، ۱۳۹۱: ۷۱). مشارکت مردم در روند توسعه نزد صاحب‌نظران از چنان اعتباری برخوردار است که بعضاً توسعه را معادل مشارکت می‌دانند (طالب، ۱۳۸۷: ۴). لذا دستیابی به توسعه همه جانبه روستایی، بدون اتخاذ روش‌هایی که در آن به مشارکت مردمی به عنوان زیربنا نگریده شده، میسر نمی‌باشد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۸۱). توسعه روستایی به معنای ارتقای سطح رفاه و معیشت روستاییان، همواره دغدغه اندیشمندان و سیاست‌گذاران توسعه بوده و هست. در این رابطه تاکنون رهیافت‌های بسیاری از طرف اندیشمندان به منظور افزایش سطح زندگی و رفاه روستاییان مطرح گردیده است (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۷).

هدف کلی توسعه نیز رشد و تعالی همه جانبه انسانی است. از اینرو در فرآیند برنامه‌ریزی برای دستیابی به توسعه و قرار گرفتن در مسیر آن، شناخت و درک شرایط و مقتضیات جوامع روستایی و نیازهای آنان در ابعاد مادی و معنوی از جمله اقدامات ضروری می‌باشد و این شناخت بدون مشارکت مردم در همه ابعاد برنامه‌ریزی توسعه روستایی بصورت کامل و جامع نخواهد بود (قدیری معصوم، ۱۳۸۳: ۹). بر همین اساس برای تحقق توسعه روستایی ضرورت دارد که مناطق دور افتاده و محروم به لحاظ برنامه‌های توسعه‌ای از حقوق توسعه‌یافتگی برخوردار شوند (طالب، ۱۳۸۷: ۴). از جمله مناطقی که باید سطح توسعه یافتگی در آن‌ها توسعه یابد، مناطق مرزی است. این مناطق به دلیل تماس با محیط‌های گوناگون داخلی و خارجی از ویژگی‌های خاصی برخوردارند (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۷: ۲).

مناطق مرزی، از نقاط حساس و استراتژیک کشور به شمار می‌روند. در طول تاریخ، ضعف بنیان‌های تاریخی، دورافتادگی و در حاشیه قرار گرفتن نقاط مرزی، پراکندگی جمعیت و شرایط اقلیمی نامناسب از جمله عواملی‌اند که باعث تشدید گرایش ساکنان نقاط مرزی به بازارهای کشورهای همسایه شده است. در ایران پیشینه توسعه یکپارچه مناطق و سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی، به برنامه‌های عمرانی دوم بر می‌گردد. اقدامات گسترده دولت برای محرومیت‌زدایی مناطق محروم و تنظیم برنامه توسعه فضایی و منطقه‌ای موجب توجه جدی دولت به توسعه مناطق مرزی شد؛ اما برنامه‌ها و اقدامات انجام گرفته نتوانسته است مشکلات و نارسایی‌های مناطق مرزی و شهرهای آن را سامان دهد (کریمی، ۱۳۹۷: ۷۲). نامنی، قاچاق کالا، مشکلات اقتصادی و نقش مؤثر مرزنشینان در کنترل بحران‌های مرزی از مهم‌ترین دلایل اهمیت مناطق مرزی است. برای تحقق توسعه پایدار ضرورت دارد تا مناطق مرزی، دورافتاده و محروم در سطح ملی از نظر برنامه‌های توسعه‌ای به حقوق توسعه یافتگی خویش دست یابند (طالب و عنبری، ۱۳۸۷: ۲۶۶). مشارکت مردمی از آن جهت اهمیت دارد که به آن به منزله راهبردی جدید در توسعه نگریده می‌شود و امید بر آن است که با بکارگیری مؤثر مشارکت مردمی، توسعه متعادل و پایدار حاصل آید. حضور افراد در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی در بلندمدت موجب تعمیق روابط بین اعضای جامعه، افزایش احساس یگانگی، تسامح و تساهل گردیده و در نتیجه به توسعه نهادهای مدنی و دموکراتیک خواهد انجامید. از سویی میزان این مشارکت‌ها بیانگر سطح توسعه‌یافتگی جامعه به حساب می‌آید (حسن‌پور بغده کندی، ۱۳۹۱: ۸۰).

مشارکت فعال مردم در تمامی مراحل برنامه‌ریزی، فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری در امور روستا به عنوان عاملی تأثیرگذار در روند توسعه، که نقش مهمی در افزایش رفاه جوامع روستایی ایفا می‌کند ضروری است (گودرزی، ۱۳۹۳: ۱). بنابراین، در راستای شناخت جایگاه توسعه‌ای روستاهای مرزی شهرستان سردشت به عنوان یکی از مناطق محروم کشور، برنامه‌ریزی و هدایت پتانسیل‌ها و امکانات لازم برای مشارکت و سرمایه‌گذاری به منظور محرومیت‌زدایی و کاهش نابرابری‌ها لازم و ضروری است. هدف از انجام این تحقیق، ارائه الگوی برنامه‌ریزی مشارکتی با تأکید بر بازارچه‌ها در شهرستان سردشت می‌باشد و در پی پاسخگویی به پرسش‌ها و فرضیه‌های زیر می‌باشد:

۱- چه عوامل، فرایندها و محدودیت‌هایی در برنامه‌ریزی مشارکتی روستایی شهرستان سردشت در ارتباط با بازارچه‌های مرزی، تأثیرگذار و مطرح هستند؟ ۲- میزان و نوع روابط و ارتباطات بین روستاهای مرزی شهرستان سردشت با بازارچه‌های مرزی از منظر شاخص‌های مشارکت، به چه صورت می‌باشد؟ برای تحلیل این اثرات، دو فرضیه به این شرح ارائه شده است:

- ۱- ساختار مدیریت روستایی، ضعف سرمایه‌گذاری‌های دولتی و مدیریت ضعیف بازارچه‌ها از مهم‌ترین عوامل و محدودیت‌های مؤثر در برنامه‌ریزی مشارکتی روستایی می‌باشد.
- ۲- به نظر می‌رسد رابطه بین روستاها با بازارچه‌ها چندان مطلوب نبوده و حالت یک طرفه دارد و روستائیان سهم چندان از منافع آن ندارند.

پیشینه و مبانی نظری تحقیق:

در ادبیات توسعه و بویژه توسعه پایدار روستایی مفهوم مشارکت نقش محوری یافته است. شناخت عوامل مؤثر بر افزایش و یا کاهش انگیزه و تمایل به مشارکت نزد روستائیان زمینه‌ساز برداشتن گام‌های دقیق و شفاف در راستای بسترسازی برای مشارکت مردم در برنامه‌های عمرانی و همراه ساختن یکباره برنامه‌ریزی، اجرا، نگهداری و ارزشیابی در فرایند برنامه‌ریزی توسعه پایدار روستایی می‌گردد (حسن‌پور بغده‌کندی، ۱۳۹۱: ۸۰). در حال حاضر در بسیاری از کشورهای جهان، مبانی نظری تهیه طرح‌های توسعه، بر خلاف ایران بر چارچوب طرح‌های راهبردی استوار است و جهت‌گیری اساسی طرح‌ها بر مشارکت مردمی و نهادهای مردمی و انطباق باخواست‌های جامعه است. تغییر از معیارهای کاربری اراضی و فیزیکی به سمت مجموعه‌ای از مولفه‌های اجتماعی، اقتصادی به زیست محیطی و تغییر روش عوامل فنی به سمت عوامل سیاسی مشارکتی و توجه به نهادهای محلی صورت گرفته است که مبانی نظری نظام برنامه‌ریزی منطقه‌ای و ناحیه‌ای ایران هنوز از آن کمتر بهره برده است (رفیع و همکاران، ۱۳۹۴: ۲). در طول زمان این پارادایم‌های توسعه در قالب برنامه‌ریزی تعاملی و مشارکتی قوت گرفته است (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱). به مرور، مشارکت از چنان جایگاهی برخوردار گردید که گاه توسعه را معادل با مشارکت و یا آن را وسیله و هدف توسعه ذکر کرده‌اند (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۱). مفهوم مشارکت از دیدگاه مدیریت مشارکتی به منظور به عهده گرفتن مسئولیت بیشتر برای توسعه جلوه‌گر می‌شود. با وجود قدمت مشارکت در میان جوامع انسانی و عمل به آن، واژه‌های مشارکت و مشارکتی برای اولین بار در اواخر دهه ۱۹۵۰ مطرح گردید، ولی در عرصه توسعه روستایی با تأخیر مورد استفاده قرار گرفته است. کاربرد واژه مشارکت در توسعه روستایی موضوعی است که نقطه آغاز آن به دهه‌های ۱۹۷۰ و شاید به ۱۹۸۰ بر می‌گردد. علت توجه روزافزون به رویکردهای مشارکتی توسعه از دهه ۱۹۷۰ به بعد را می‌توان در کاستی‌های موجود در رهیافت‌های به کار رفته قبلی در زمینه توسعه و پیامدهای منفی آن جست‌وجو کرد (عابدی سروستانی، ۱۳۸۵: ۱۴۳).

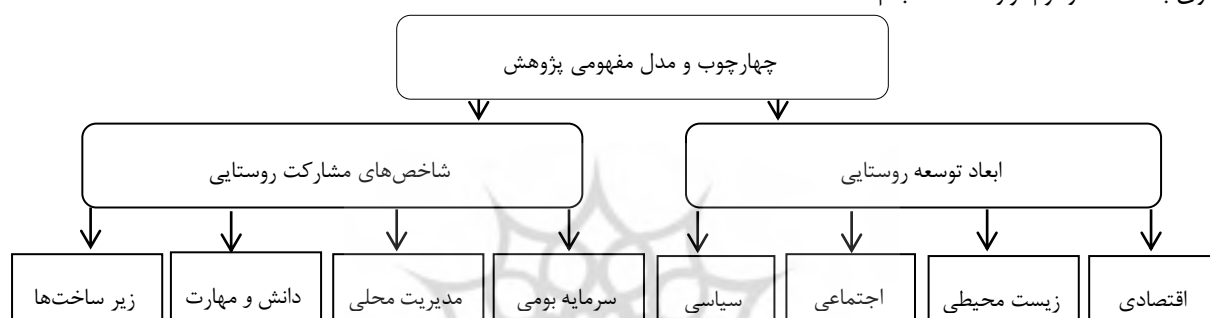
«دانیل لرنر» در مطالعات خود در شش کشور خاورمیانه (مصر، لبنان، سوریه، اردن، ترکیه و ایران) به ارتباط مشارکت با متغیرهای اجتماعی و معیشتی محل سکونت، میزان تحصیلات، جایگاه اجتماعی و اقتصادی، سن، مذهب و میزان استفاده از رسانه‌ها پی برد (قاسمی، ۱۳۸۴: ۸۲). مردم در چارچوب جوامع و سکونتگاه‌های شهری و روستایی، منابع به مفهوم منابع انسانی، طبیعی، سرزمینی و مشارکت، اساس توسعه پایدار انسانی را تشکیل می‌دهند. مشارکت عنصر کلیدی در فرآیند توسعه پایدار تلقی و از آن با عنوان حلقه گمشده فرآیند توسعه یاد می‌شود (جمعه‌پور، ۱۳۸۹: ۸). امروزه توسعه، همپای زندگی بهتر تلقی می‌شود و جوامع، نسبت به گذشته از آن بیشتر بهره‌مند می‌گردند. توسعه همان رشد اقتصادی نیست (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۳۲). هدف برنامه‌ریزی، تبدیل وضعیت موجود به وضع مطلوب، پیشرفت و آبادانی در نظر گرفته شده است. بدیهی است در گام نخست برای رسیدن به وضع مطلوب باید شناخت دقیق و همه‌جانب‌های از وضع موجود داشت (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۵). توسعه روستایی وابسته به مسائل گوناگون اقتصادی و اجتماعی، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اتخاذ شده و همکاری و مشارکت گروه‌های مختلف روستایی است (Terluin, 2003: 328). مرزها به عنوان حدود تعریف شده هر کشور تبعات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی را در دو سوی مرز و همچنین روابط بین دو جامعه به وجود می‌آورند (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۱۲).

از زمان مطرح شدن مسئله مشارکت روستائیان در برنامه‌های توسعه روستایی مطالعات متعددی صورت پذیرفته است؛ نتایج پژوهش‌های داخلی از جمله دادورخانی و همکاران (۱۳۹۰) نشان می‌دهد حکمروایی خوب با دارا بودن شاخص‌هایی نظیر مشارکت و از طریق راهکارهای افزایش مشارکت روستائیان و دخالت آن‌ها در تعیین سرنوشت خود، ضمن تغییر شیوه‌های تأمین معاش، فقر را می‌تواند کاهش دهد (قرنی آرنی، ۱۳۹۳: ۱۲۱). نیبور (۲۰۰۲) در پژوهش «بررسی مفاهیم کلی در ارتباط با اقتصاد مناطق مرزی با اشاره به بازارچه‌ها» نیبور و استیلر (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با موضوع «اثرات همگرایی در نواحی مرزی با استفاده از تئوری‌های اقتصادی و مشاهدات تجربی» لی پائوپه و همکارانش (۲۰۰۴) به بررسی اثرات اقتصادی - اجتماعی تجارت مرزی و تأثیر آن در افزایش استانداردهای سطح زندگی مردم، در سه ایالت کشور لاتوس؛ مورشید و همکارانش (۲۰۰۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «اقتصاد مرزی کامبوج» و هورواث و همکاران (۲۰۰۸) «تأثیرات مرز در اقتصادهای تا حدی باز» به ارزیابی برنامه‌ریزی مشارکتی در توسعه روستاها و شهرهای مرزی پرداخته‌اند. عوامل مشترک در کلیه این پژوهش‌ها تأکید بر عوامل و ابعاد اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، امنیت و زیست محیطی بوده است.

همچنین از نظر کلیه پژوهش‌های انجام شده، اختلاف در توسعه نیافتگی مناطق را ناشی از فقدان توزیع عادلانه خدمات، زیرساخت‌ها و شاخص‌های مرتبط با بخش‌های مختلف در شهرها و روستاهای مناطق مرزی می‌دانند و این نابرابری بازتاب عوامل و شرایط طبیعی و نارسایی‌های نظام برنامه‌ریزی و رشد مناطق می‌باشد. از این رو الگوی مشارکتی و همکاری‌جویانه را برای بهبود شرایط در منطقه را پیشنهاد می‌کنند.

روش تحقیق:

روش این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف، کاربردی محسوب می‌شود. جامعه آماری پژوهش، روستاهای در فاصله ۱۵ کیلومتری مرزی با عراق می‌باشد که از طریق شناسایی عوامل و پارامترها و عوامل تاثیرگذار، اقدام به برنامه‌ریزی شده است. حجم نمونه آماری از طریق روش کوکران با توجه به تعداد ۲۵۹۹ خانوار روستاهایی که در محدوده ۱۵ کیلومتری مرز قرار دارند، با در نظر گرفتن مقدار T برابر با ۱/۹۶ و مقدار خطای ۰/۰۵، تعداد نمونه آماری، ۳۳۵ نفر خواهد بود. شیوه گردآوری اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از دو طریق اسنادی و پیمایش میدانی و ابزار سنجش و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی و تحلیل‌ها و آزمون‌های آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شده است.



شکل ۱- چهارچوب و مدل مفهومی پژوهش منبع: نگارندگان (۱۳۹۷)

این مدل دارای مفاهیم مجزای زیر است: ۱- توان‌های روستایی با تأکید بر اصول مشارکت که شامل ابعاد مختلف توسعه روستایی می‌باشد. ۲- بازارچه‌های مرزی و کارکردها، منافع و ساختار بازارچه‌ها. ۳- الگوی برنامه‌ریزی مشارکتی روستایی مرتبط با بازارچه‌های مرزی. در این مدل، نتیجه ترکیب این بخش‌ها، چشم‌انداز و الگوی نهایی توسعه روستایی بر مبنای برنامه‌ریزی مشارکتی حاصل خواهد شد.

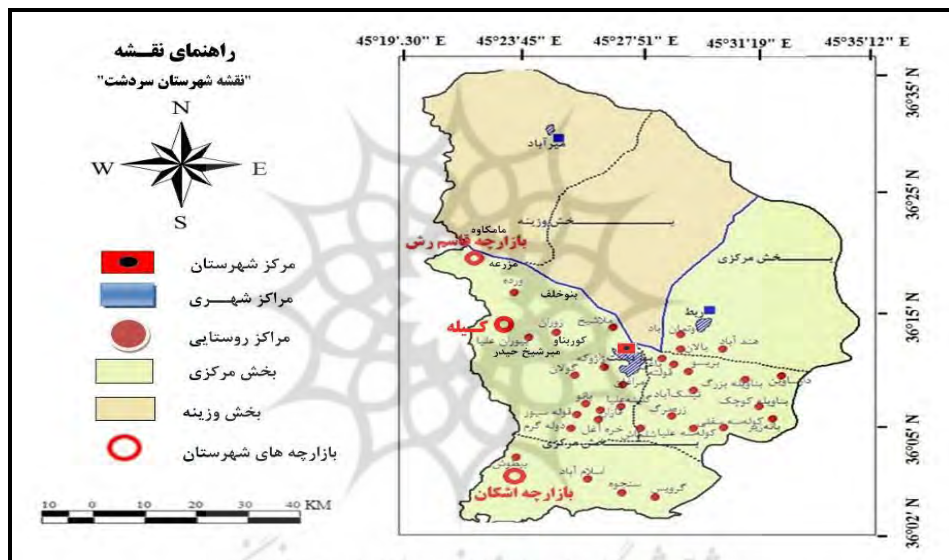
محدوده مورد مطالعه:

شهرستان سردشت دارای موقعیت ۴۵ درجه و ۳۲ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۶ درجه و ۹ دقیقه و ۱۵ ثانیه شمالی از عرض جغرافیایی می‌باشد. این شهرستان با وسعتی بالغ بر ۱۴۱۱ کیلومتر در جنوب غربی استان آذربایجان غربی واقع شده است. ارتفاع شهرستان سردشت از سطح دریا ۱۷۸۹ متر است و ۹۶ کیلومتر با کشور عراق مرز مشترک دارد. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ این شهرستان دارای ۱۱۸۸۴۹ نفر جمعیت می‌باشد. بر این اساس روستاهایی که در فاصله ۱۵ کیلومتری از مرز قرار دارند، در این پژوهش مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در طول فرایند تحقیق با استفاده از شاخص‌های انسانی، روستاهای منتخب در محدوده ۱۵ کیلومتری و بالای ۶۰ خانوار به صورت تصادفی مشخص شده است. در نهایت ۲۰ روستا با مشخصات زیر انتخاب شدند.

جدول ۱- مشخصات روستاهای مورد مطالعه شهرستان سردشت

ردیف	روستاهای مطالعه	جمعیت	خانوار	نمونه (خانوار)	ردیف	روستاهای مطالعه	جمعیت	خانوار	نمونه (خانوار)
۱	کانی زرد	۷۵۸	۱۸۷	۲۳	۱۱	قلعه رش	۱۱۴۰	۲۵۴	۳۳
۲	کوریناو	۳۶۲	۷۵	۱۰	۱۲	بنوخلف	۳۹۴	۱۰۷	۱۳
۳	میرشیرخ حیدر	۲۸۷	۷۹	۱۱	۱۳	گل کنگ	۴۷۲	۱۰۶	۱۳
۴	موسلان	۵۷۲	۱۲۶	۱۷	۱۴	چکو	۳۴۲	۷۹	۱۰
۵	بیوران علیا	۵۷۰	۱۴۹	۲۰	۱۵	مامکاو	۳۹۷	۷۶	۱۰
۶	گومان	۳۹۹	۷۱	۱۰	۱۶	سنگوه	۴۴۸	۱۲۳	۱۶
۷	احمدبریو	۳۹۳	۶۵	۱۰	۱۷	آغلان	۵۱۹	۹۵	۱۲
۸	ساوان جدید	۵۵۳	۱۷۴	۲۱	۱۸	ورده	۵۸۷	۱۴۲	۱۸
۹	مزرعه	۵۰۹	۱۱۸	۱۵	۱۹	بیطوش	۸۱۷	۲۳۵	۳۰
۱۰	شینوه	۳۱۳	۷۶	۱۰	۲۰	اسلام آباد	۹۴۲	۲۶۲	۳۳
مجموع		۴۷۱۶	۱۱۲۰	۱۱۴۷	مجموع		۶۰۵۸	۱۴۷۹	۱۱۸۸

منبع: مرکز آمار ایران، روستاهای شهرستان سردشت، ۱۳۹۵.



شکل ۲- نقشه شماتیک منطقه مورد مطالعه شهرستان سردشت. ماخذ: (احمدی و توکلی: ۱۳۹۵: ۴).

بحث و ارائه یافته‌ها:

در این بخش با استفاده از مجموعه مطالعات میدانی و مطالعات نظری و عبارات مرتبط با موضوع نتایج زیر به عنوان خروجی یافته‌های پژوهش استخراج شد.

جدول ۲- مشخصات پاسخگویان در روستاهای نمونه شهرستان سردشت

وضعیت تحصیلی	وضعیت تحصیلی	وضعیت اشتغال		وضعیت اشتغال	شرایط سنی		شرایط سنی	جنسیت		جنسیت
		درصد	فروانی		درصد	فروانی		درصد	فروانی	
۶۸/۴	۲۲۹	۴/۵	۱۵	دولتی	۱/۲	۴	کمتر از ۱۵ سال	۱۳/۷	۴۶	زن
۱۲/۵	۴۲	۴۰/۹	۱۳۷	آزاد	۳۵/۵	۱۱۹	۱۵-۳۰ سال	۸۰/۳	۲۶۹	مرد
۱۲/۵	۴۲	۶/۰	۲۰	دانشجو	۳۳/۴	۱۱۲	۳۰-۴۵ سال	۶/۰	۲۰	بدون پاسخ
۱/۸	۶	۸/۱	۲۷	خانه دار	۲۳/۶	۷۹	۴۵-۶۰ سال			
۴/۸	۱۶	۳۷/۶	۱۲۶	سایر	۵/۱	۱۷	بیشتر از ۶۰ سال			
		۳/۰	۱۰	بدون پاسخ	۱/۲	۴	بدون پاسخ			
۱۰۰/۰	۳۳۵	۱۰۰/۰	۳۳۵	مجموع	۱۰۰/۰	۳۳۵	مجموع	۱۰۰/۰۰	۳۳۵	مجموع

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷.

مطابق جدول ۲، بر اساس نمونه آماری، ۳۳۵ نفر از مردم روستایی در ۲۰ روستای منتخب پژوهش جهت ارزیابی تأثیرات بازارچه‌های مرزی گزینش شدند. بخش اعظم آن افراد (۸۰ درصد) مرد بوده و تنها یک پنجم آن‌ها زن هستند. همچنین بیش از یک سوم از آن‌ها بین ۱۵ تا ۳۰ سال سن و یک سوم نیز بین ۳۰ تا ۴۵ سال سن داشتند. با توجه تفاوت سنی مختلف، مردم روستا دارای سابقه سنی مختلف از ۱۴ سال تا ۷۰ بودند. از نظر وضعیت اشتغال، ۶۰ درصد به کار آزاد مشغول بوده و شاغلین بخش دولتی بسیار اندک هستند. عموم شغل‌ها به صورت کشاورزی، کارگری و شاغل در بازارچه‌های مرزی بودند. عموم پرسش‌شوندگان در واقع شاغلینی بودند که مستقیم و غیرمستقیم در ارتباط با بازارچه‌های مرزی بودند. عمده خانوارهای روستاها ۴ نفره بوده و خانواده‌های ۳ نفره و ۵ نفره نیز عموماً خانوارهای غالب پژوهش بودند.

جدول ۳- ویژگی‌های پاسخگویان و کارشناسان در بازارچه‌های مرزی

ویژگی‌های جنسی و تحصیلات کارشناسان					سطح اقتصادی و نوع فعالیت پاسخگویان						
تحصیلات		تحصیلات	جنسیت		جنسیت	نوع فعالیت در بازارچه‌ها		نوع فعالیت در بازارچه‌ها	سطح اقتصادی		سطح اقتصادی
درصد	فراوانی		درصد	فراوانی		درصد	فراوانی		درصد	فراوانی	
۰/۲۴	۶	زیر دیپلم	۸/۰۰	۲	زن	۲۸/۱	۹۴	شاغل و کارکن	۰/۶	۲	خیلی خوب
۰/۲۸	۷	کارشناسی ارشد	۹۲/۰۰	۲۳	مرد	۱/۸	۶	مدیر	۷/۵	۲۵	خوب
۰/۱۶	۴	دیپلم و فوق دیپلم				۱/۵	۵	خرید و فروش	۳۹/۷	۱۳۳	متوسط
۰/۳۲	۸	کارشناسی				۶۳/۹	۲۱۴	سایر	۵۱/۶	۱۷۳	ضعیف
۰/۱۰۰	۲۵	مجموع	۱۰۰/۰۰	۲۵	مجموع	۴/۸	۱۶	بدون پاسخ	۰/۶	۲	بدون پاسخ
						۰/۱۰۰	۳۳۵	مجموع	۱۰۰/۰	۳۳۵	مجموع

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷).

مطابق جدول شماره ۳، بیشتر پاسخگویان از لحاظ سطح اقتصادی در سطح ضعیف اقتصادی بوده‌اند. مطابق نتایج به دست آمده در جدول، ۲۸/۱ درصد شاغل و کارکن بوده‌اند. عموم کارشناسان از مدیران بازارچه، شورا، دهیار و محققین انتخاب شدند بین ۲۰ تا ۴۰ سال سن داشتند و بخش زیادی از آن‌ها مرد بودند. دو سوم آن‌ها دارای تحصیلات عالی‌ه دانشجویی بوده و تعدادی از آن‌ها در قالب شورا تحصیلات پایین‌تری داشتند. عمده آن‌ها نیز از نظر شغلی، یا مدرس بوده یا کارمند و دهیار و شواری روستا بودند و برحسب جایگاه خود بین ۱ تا ۱۵ سال سابقه سکونت در منطقه را داشتند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۴- میانگین و ضریب معناداری دو جمله‌ای تأثیرات زیست محیطی و اجتماعی بازارچه‌های مرزی بر روستاها

ابعاد	شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	ضریب معناداری
زیست محیطی	افزایش آگاهی از ارزش منابع طبیعی	۲/۶۳	۱/۲۹	۰/۴۹	۰
	جلوگیری از اتلاف منابع آب و خاک	۲/۶۰	۱/۳۴	۰/۵۲	۰
	حفاظت از منابع طبیعی روستا	۲/۶۷	۱/۳۸	۰/۵۲	۰
	حفظ منابع و محیط زیست	۲/۶۷	۱/۳۵	۰/۵۱	۰
	درصد اراضی آبی کشاورزی	۲/۴۲	۱/۰۷	۰/۴۴	۰
	درصد تصرف اراضی کشاورزی	۲/۴۳	۱/۱۸	۰/۴۹	۰
	رونق کشاورزی پایدار و میزان زمین‌های قابل کشت	۲/۵۷	۱/۳۲	۰/۵۱	۰
	کاهش آلودگی‌های زیست محیطی مانند آب، خاک و هوا	۲/۳۴	۱/۱۶	۰/۴۹	۰
	کاهش تخریب منابع محیطی	۲/۴۷	۱/۲۹	۰/۵۲	۰
	میانگین	۲/۵۳			
اجتماعی	آزادی در انتخاب	۲/۶۲	۱/۱۹	۰/۴۶	۰
	افزایش احساس رضایت شما از زندگی	۳/۰۹	۱/۳۵	۰/۴۴	۰
	افزایش دانش و آگاهی روستاییان	۲/۷۳	۱/۲۸	۰/۴۷	۰
	افزایش مهارت و دانش شما در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی	۲/۷۹	۱/۳۰	۰/۴۷	۰
	افزایش میزان اشتغال زنان در روستا	۱/۹۵	۱/۱۵	۰/۵۹	۰
	افزایش میزان انسجام و اتحاد بین مردم	۳/۰۳	۱/۲۲	۰/۴۰	۰
	افزایش میزان انگیزه‌ها و علائق شما به فعالیت و کار	۳/۱۶	۱/۳۶	۰/۴۳	۰
	افزایش میزان خدمات آموزشی	۲/۵۶	۱/۲۲	۰/۴۸	۰
	افزایش همبازی بین مردم در انجام امور روستا	۳/۰۲	۱/۲۵	۰/۴۱	۰
	ایجاد عدالت اجتماعی نسبی در روستا	۲/۷۷	۱/۲۸	۰/۴۶	۰
	بالا رفتن هویت فرهنگی و اجتماعی روستای شما	۲/۸۴	۱/۳۳	۰/۴۷	۰
	تأمین نیازهای اساسی خانواده شما	۳/۱۹	۱/۳۴	۰/۴۲	۰
	توسعه دانش بومی روستایی	۲/۵۱	۱/۲۵	۰/۵۰	۰
	توسعه و ایجاد نهادهای محلی روستایی	۲/۴۶	۱/۲۵	۰/۵۱	۰
	میانگین	۲/۷۷			

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷).

طبق جدول ۴، از لحاظ میانگین و ضریب تأثیرات زیست محیطی بر بازارچه‌ها، حفاظت از منابع طبیعی روستا و حفظ منابع و محیط زیست با میانگین ۲/۶۷ بیشترین تأثیر و کاهش آلودگی‌های زیست محیطی مانند آب، خاک و هوا با میانگین ۲/۳۴ کمترین تأثیر را بر بازارچه‌های مرزی داشته است. همچنین ضریب تغییرات دو شاخص جلوگیری از اتلاف منابع آب و خاک و کاهش تخریب منابع محیطی با ۰/۵۲ درصد بیشترین تغییر را داشته است. میانگین کلیه شاخص‌ها در بعد زیست محیطی برابر با ۲/۵۳ می‌باشد.

از لحاظ تأثیرات اجتماعی، بیشترین میزان میانگین مربوط به شاخص افزایش میزان انگیزه‌ها و علائق شما به فعالیت و کار با میانگین ۳/۱۶ و کمترین میانگین مربوط به شاخص افزایش میزان اشتغال زنان در روستا با میانگین ۱/۹۵ می‌باشد که با وجود بیشترین ضریب تغییرات (۰/۵۹) در این شاخص، حاکی از عدم مشارکت و توجه به اشتغال زنان در این بعد می‌باشد. میانگین کل شاخص‌ها در بعد تأثیرات اجتماعی بر بازارچه‌های مرزی برابر با ۲/۷۷ می‌باشد. ضریب معناداری صفر می‌باشد.

جدول ۵- نتایج میانگین و ضریب معناداری آزمون دو جمله‌ای تغییرات تأثیرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی بر روستاها

شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	ضریب معناداری
افزایش میزان سرمایه گذاری شما و مردم روستا در فعالیتهای اقتصادی	۲/۷۵	۱/۲۹	۰/۴۷	۰
افزایش امنیت اقتصادی روستا	۳/۱۰	۱/۳۸	۰/۴۴	۰/۰۴
افزایش امنیت غذایی	۲/۹۵	۱/۳۷	۰/۴۶	۰
افزایش تعداد شاغلین روستا	۳/۲۱	۱/۴۶	۰/۴۶	۰/۰۳۲
افزایش فرصتهای شغلی و مهارتهای فردی	۲/۱۵	۱/۴۰	۰/۴۸	۰/۱۳۹
افزایش قیمت زمینهای روستایی	۳/۰۹	۱/۳۷	۰/۴۴	۰/۱۳۱
افزایش میزان دسترسی به خدمات	۲/۵۴	۱/۲۳	۰/۴۵	۰
ایجاد اشتغال کاذب در روستا	۲/۲۵	۱/۱۵	۰/۴۵	۰
بهبود فضا برای کارآفرینی و تولید اشتغال	۲/۶۵	۱/۲۶	۰/۴۸	۰
رونق صنایع دستی روستا	۲/۱۵	۱/۰۰	۰/۴۷	۰
کاهش فقر روستایی	۳/۲۱	۱/۵۰	۰/۴۷	۰/۲۹۳
کاهش قاچاق کالاها و محصولات روستایی	۳/۱۴	۱/۴۳	۰/۴۵	۰/۰۰۱۴
میانگین	۲/۷۶			

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷.

جدول ۵، نتایج میانگین و ضریب معناداری تغییرات تأثیرات اقتصادی بازارچه‌ها را نشان می‌دهد. مطابق جدول کاهش فقر روستایی با میانگین ۳/۲۱ دارای بیشترین تأثیر و افزایش فرصتهای شغلی و مهارتهای فردی و رونق صنایع دستی روستا با میانگین ۲/۱۵ دارای کمترین تأثیر عوامل اقتصادی بازارچه‌ها بر روستاهای مورد مطالعه بوده است. بیشترین ضریب معناداری نیز مربوط به کاهش فقر روستایی با ضریب ۰/۲۹۳ می‌باشد که این ارقام نشان دهنده این است که تأثیرات اقتصادی بازارچه‌های مرزی بر کاهش فقر و ایجاد اشتغال در مناطق روستایی مورد مطالعه شهرستان سردشت تأثیرات مثبتی داشته است. میانگین بدست آمده در کلیه شاخص‌ها برابر با ۲/۷۶ می‌باشد. به منظور سنجش میزان تأثیرات از شاخص میانگین و ضریب تغییرات استفاده شده است. میانگین ۲/۷۷ درصد نشان از تأثیرگذاری بیشتر بازارچه بر بعد اجتماعی - فرهنگی نسبت به بعد زیست محیطی و اقتصادی است، اما میزان این تأثیرات نیز در مجموع اندک و محدود است و در سطح متوسط رو به پایین قرار دارد و اثرات مثبت و منفی آن، شدت زیادی ندارد. از طرف دیگر ضریب تغییرات این بعد نشان از اختلاف میزان این تأثیرات در روستاهای مختلف است به نوعی که در برخی از روستاها، بازارچه‌های مرزی دارای تأثیرات خیلی خوب و در برخی روستاها دارای تأثیرات خیلی کم و نامطلوب بودند و میزان تأثیرگذاری در روستاها یکسان نبود. پس از بررسی ابعاد، اولویت‌بندی این ابعاد از طریق آزمون فریدمن صورت گرفته است. جدول ۵، که حاکی از اولویت بعد اجتماعی - فرهنگی بر سایر ابعاد است.

جدول ۶- نتایج آزمون فریدمن جهت اولویت‌بندی ابعاد تأثیرات بازارچه‌های مرزی بر مناطق روستایی

ابعاد	رتبه	مقدار کای اسکوتر	ضریب معناداری
زیست محیطی	۱/۹۰	۱۱/۸۱	۰/۰۰۰
اجتماعی - فرهنگی	۲/۱۵		
اقتصادی	۱/۹۵		

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷).

جدول شماره ۶، با توجه به نتایج، بعد اجتماعی و فرهنگی با رتبه ۲/۱۵ رتبه اول را دارد. با توجه به نتایج پژوهش واقع در جدول شماره ۴، شاخص‌هایی مانند افزایش احساس رضایت شما از زندگی، افزایش میزان انسجام و اتحاد بین مردم، افزایش میزان انگیزه‌ها و علائق شما به فعالیت و کار، افزایش همبازی بین مردم در انجام امور روستا و تأمین نیازهای اساسی خانواده‌ها باعث شده است که به میزان بسیار کمی تأثیرات بعد اجتماعی بر بازارچه‌های مرزی در اولویت نخست نسبت به دیگر ابعاد قرار بگیرد زیرا همبازی و مشارکت مردم از لحاظ بعد اجتماعی - فرهنگی به دلیل پیوندهای خانوادگی و سببی دارای انسجام و استحکام بیشتری می‌باشد.

جدول ۷- نتایج همبستگی پیرسون بین ابعاد تأثیرات بازارچه‌های مرزی بر مناطق روستایی

همبستگی پیرسون		بعد زیست محیطی	بعد اجتماعی - فرهنگی	بعد اقتصادی
بعد زیست محیطی	ضریب همبستگی	۱	۰/۷۷۶	۰/۶۷۱
	ضریب معناداری		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
بعد اجتماعی - فرهنگی	ضریب همبستگی	۰/۷۷۶	۱	۰/۸۹۲
	ضریب معناداری	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰
بعد اقتصادی	ضریب همبستگی	۰/۶۷۱	۰/۸۹۲	۱
	ضریب معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷.

نتایج جدول ۷، نشان می‌دهد که نشانگر وجود همبستگی بین کلیه ابعاد می‌باشد. ضریب معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵ نشان از وجود همبستگی معنادار دارد که این مورد برای کلیه ابعاد صادق است و همبستگی بین کلیه ابعاد معنادار و معتبر است. بیشترین میزان همبستگی بین ابعاد اجتماعی- فرهنگی با ابعاد اقتصادی (۰/۸۹۲) است و کمترین شدت همبستگی نیز بین بعد زیست محیطی و اقتصادی (۰/۶۷۱) است که البته شدت همبستگی در این بخش نیز نسبتاً بالا است. این مسئله نشان می‌دهد که اساساً تأثیرات بازارچه‌ها بر ابعاد توسعه روستایی دارای یک ارتباط و پیوستگی معنادار بوده و قوی نبوده است. با این آزمون مربوطه مقدار $\text{Sig} < 0/000$ به دست آمده و چون مقدار $\text{Sig} < 0/05$ می‌باشد لذا در سطح خطای ۰/۰۵ فرض صفر را رد کرده و فرض مقابل را می‌پذیریم. بدین معنی که بین مشارکت مردمی و ابعاد تأثیرات بازارچه‌های مرزی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

بررسی تفاوت معناداری بین ویژگی‌های فردی و ابعاد تأثیرات بازارچه‌های مرزی بر روستاها:

در جدول شماره ۸، به وجود تفاوت‌های معنادار بین تأثیرات بازارچه‌ها بر ابعاد توسعه روستایی از منظر ویژگی‌های فردی مردم پرداخته شده است. هدف سنجش این مورد است که آیا تفاوت در شرایط جنسی، سنی، شغلی و تحصیلی و همچنین سطح اقتصادی، باعث تفاوت در ارزیابی میزان تأثیرات بازارچه‌ها بر زندگی روستایی شده است یا خیر؟

جدول ۸- نتایج آزمون کروسکال والیس جهت سنجش معناداری بین ویژگی‌های فردی و تأثیرات بازارچه بر روستاها

عوامل	شرایط سنی		شرایط تحصیلی		شرایط شغلی		شرایط اقتصادی	
	ضریب معناداری	کای اسکوئر	ضریب معناداری	کای اسکوئر	ضریب معناداری	کای اسکوئر	ضریب معناداری	کای اسکوئر
بعد زیست محیطی	۰	۳۰	۰	۲۰/۵۶	۰/۱۹۷	۴/۹۷	۰/۳۱۵	۳/۵
بعد اجتماعی - فرهنگی	۰	۲۳/۸	۰/۰۴	۱۵/۳۴	۰/۲۹	۳/۷	۰/۰۱۱	۱۱/۱۹
بعد اقتصادی	۰/۰۱	۱۸/۴	۰/۰۸۵	۸/۱۹	۰/۴۹۲	۰/۴۲	۰/۰۰۷	۱۲/۹

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷.

با توجه به عدم توزیع نرمال داده‌ها، از آزمون ناپارامتریک کروسکال والیس برای سنجش تفاوت معناداری ابعاد استفاده شده است. نتایج جدول ۸، نشانگر این مسئله است که شرایط اشتغال مردم تأثیر معناداری در ارزیابی آن‌ها از تأثیرات بازارچه‌های مرزی نداشته و شاغل بودن یا نبودن و نوع اشتغال تفاوت چندانی در دیدگاه‌های آن‌ها نگذاشته و اگر تفاوتی در نتایج وجود دارد این تفاوت نمی‌تواند معنادار و قابل استناد باشد. همین مورد در بعد زیست محیطی و در ارتباط با سطح اقتصادی نیز مشاهده شده است و در اساس بین افراد مرفه با فقیر در زمینه ارزیابی تأثیرات زیست محیطی بازارچه‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین از نظر تحصیلی، تفاوتی در ارزیابی بعد اقتصادی مشاهده نمی‌شود. در مجموع از بعد شرایط سنی در کلیه ابعاد تفاوت معنادار مشاهده می‌شود و ظاهراً میزان سن مردم در ارزیابی آن‌ها از تأثیرات بازارچه‌ها مؤثر بوده است.

جدول ۹- نتایج آزمون من‌ویتنی و کروسکال‌والیس جهت سنجش و تفاوت معناداری ابعاد تأثیرات بازارچه بر روستاها

آزمون	بعد زیست محیطی	بعد اجتماعی - فرهنگی	بعد اقتصادی
مقدار من‌ویتنی	۴۹۴۴/۵	۴۵۳۱	۴۷۳۵
مقدار ویلکاکسون	۶۰۲۵/۵	۵۶۱۲	۵۸۱۶
مقدار Z	-۲/۱۷۸	-۲/۹۰۱	-۲/۵۴۴
ضریب معناداری	۰/۰۲۹	۰/۰۰۴	۰/۰۱۱
آزمون کروسکال‌والیس	مقدار کای اسکوئر	۱۹۸/۳	۱۸۵/۴
	ضریب معناداری	۰	۰

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷).

به منظور سنجش تفاوت معناداری از آزمون ناپارامتریک من‌ویتنی و کروسکال‌والیس استفاده شده است. بر اساس مقدار ضریب معناداری در جدول ۹، تفاوت معناداری بین ارزیابی تأثیرات بازارچه‌ها از منظر جنسیت در کلیه ابعاد توسعه روستایی وجود دارد به طوری که ضریب معناداری در بعد زیست محیطی ۰/۰۲۹، در بعد اجتماعی - فرهنگی ۰/۰۰۴ و در بعد اقتصادی ۰/۰۱۱ می‌باشد. بر اساس نتایج آزمون کروسکال‌والیس مشاهده می‌شود که روستاهای پیرامون در هر یک از ابعاد توسعه روستایی از نظر تأثیرپذیری از بازارچه‌های مرزی، دارای تفاوت‌های معنادار بودند. با توجه به جدول مقدار کای اسکوئر در بعد زیست محیطی (۱۵۳)، در بعد اجتماعی و فرهنگی (۱۹۸/۳) و در بعد اقتصادی (۱۸۵/۴) می‌باشد. ضریب معناداری در کلیه ابعاد مورد بررسی معنادار می‌باشد.



جدول ۱۰- نتایج میانگین و معناداری آزمون دوجمله‌ای عوامل مؤثر در شاخص‌های مشارکت مردم روستاها بر بازارچه‌ها

شاخص‌ها	عوامل	میانگین	مقدار T	درجه آزادی	ضریب معناداری	اختلاف میانگین
توانمندشدن	افزایش حس خودباوری و اعتماد به نفس روستاییان	۳/۴۸۰	۲/۰۷۱	۲۴	۰/۰۵	۰/۴۸۰۰۰
	افزایش میزان اشتغال و مشارکت زنان روستایی	۱/۶۴۰	-۷/۹۰۵	۲۴	۰/۰۰	-۱/۳۶۰۰۰
	تعداد شاغلین روستایی در بازارچه‌ها	۳/۶۴۰	۲/۲۲۲	۲۴	۰/۰۴	۰/۶۴۰۰۰
	توانمندشدن مردم از منظر اجتماعی و اقتصادی نسبت به گذشته	۳/۷۶۰	۳/۲۶۲	۲۴	۰/۰۰	۰/۷۶۰۰۰
	دسترسی بیشتر مردم روستا به خدمات و امکانات نسبت به گذشته	۳/۴۰۰	۱/۸۵۲	۲۴	۰/۰۸	۰/۴۰۰۰۰
	عملکرد دهیاری و شوراهای روستا	۳/۳۶۰	۱/۵۱۸	۲۴	۰/۱۴	۰/۳۶۰۰۰
	میزان سرمایه‌گذاری بومی روستایی در بازارچه‌های مرزی	۲/۲۸۰	-۲/۹۷۹	۲۴	۰/۰۱	-۰/۷۲۰۰۰
	میزان سرمایه‌گذاری خصوصی در بازارچه‌ها	۲/۶۴۰	-۱/۲۵۰	۲۴	۰/۲۲	-۰/۳۶۰۰۰
ضریب امنیت	میزان سرمایه‌گذاری خصوصی در روستاها	۲/۵۲۰	-۱/۹۰۱	۲۴	۰/۰۷	-۰/۴۸۰۰۰
	افزایش قدرت مدیریتی مردم روستا	۳/۷۲۰	۲/۷۵۳	۲۴	۰/۰۱	۰/۷۲۰۰۰
	افزایش رونق محصولات کشاورزی، صنعتی و صنایع دستی	۲/۴۸۰	-۲/۱۱۶	۲۴	۰/۰۴	-۰/۵۲۰۰۰
	شرایط اقتصادی و درآمد فعلی مردم روستا	۳/۴۰۰	۱/۷۳۲	۲۴	۰/۱۰	۰/۴۰۰۰۰
	ضریب امنیت مرزها	۳/۵۶۰	۲/۵۸۵	۲۴	۰/۰۲	۰/۵۶۰۰۰
	مسائل گمرکی و کنترل دولتی	۳/۳۶۰	۱/۳۰۴	۲۴	۰/۲۰	۰/۳۶۰۰۰
	میزان پروژه‌های انجام شده مربوط به امور روستاها توسط دولت	۲/۶۰۰	-۱/۵۱۲	۲۴	۰/۱۴	-۰/۴۰۰۰۰
	میزان سرمایه‌گذاری دولتی در بازارچه‌ها و روستاها	۲/۸۰۰	-۰/۸۴۰	۲۴	۰/۴۱	-۰/۲۰۰۰۰
سطح آگاهی	نقش دولت در کنترل امنیت	۳/۶۴۰	۳/۲۱۶	۲۴	۰/۰۰	۰/۶۴۰۰۰
	وضعیت مدیریت بازارچه‌ها	۲/۷۲۰	-۰/۹۶۰	۲۴	۰/۳۵	-۰/۲۸۰۰۰
	افزایش میزان اطلاع‌رسانی و انتقال آگاهی‌ها	۳/۵۲۰	۲/۳۹۷	۲۴	۰/۰۲	۰/۵۲۰۰۰
	سطح آگاهی و فرهنگی مردم	۳/۰۴۰	۰/۱۵۷	۲۴	۰/۸۸	۰/۰۴۰۰۰
	میزان آموزش و دانش بومی	۲/۲۴۰	-۲/۱۶۷	۲۴	۰/۰۰	-۰/۷۶۰۰۰
	میزان انسجام و همبندی بین مردم روستا	۳/۷۲۰	۲/۸۲۳	۲۴	۰/۰۱	۰/۷۲۰۰۰
	میزان انعطاف‌پذیری مردم	۳/۰۸۰	۰/۳۵۹	۲۴	۰/۷۲	۰/۰۸۰۰۰
	میزان باسوادی و تحصیلات	۲/۶۸۰	-۱/۲۱۸	۲۴	۰/۲۴	-۰/۳۲۰۰۰
توسعه	افزایش تعداد تعاونی‌های روستایی	۲/۴۰۰	-۲/۳۸۴	۲۴	۰/۰۳	-۰/۶۰۰۰۰
	ایجاد واحدهای همبندی در روستا	۲/۹۲۰	-۰/۳۳۷	۲۴	۰/۷۴	-۰/۰۸۰۰۰
	تنوع کالاهای موجود در بازارچه‌ها	۳/۲۴۰	۰/۹۰۱	۲۴	۰/۳۸	۰/۲۴۰۰۰
	توسعه ارتباطات و حمل و نقل روستایی	۳/۱۶۰	۰/۷۰۰	۲۴	۰/۴۹	۰/۱۶۰۰۰
	توسعه خدمات نوین مانند اینترنت، موبایل	۳/۶۸۰	۲/۳۶۹	۲۴	۰/۰۳	۰/۶۸۰۰۰
	درصد اراضی آبی کشاورزی و مرتعی	۲/۲۰۰	-۳/۴۶۴	۲۴	۰/۰۰	-۰/۸۰۰۰۰

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷).

جدول شماره ۱۰، نتایج میانگین و معناداری آزمون دوجمله‌ای شاخص‌های چهارگانه نشان می‌دهد که از لحاظ شاخص سرمایه بومی، توانمندشدن مردم از منظر اجتماعی و اقتصادی نسبت به گذشته با میانگین ۳/۷۶۰ دارای بیشترین میزان مشارکت و افزایش میزان اشتغال و مشارکت زنان روستایی با میانگین ۱/۶۴۰ دارای کمترین میزان بوده که با اختلاف میانگین ۱/۳۶۰۰۰ دارای ضریب تغییرات بالایی و منفی می‌باشد. همانند میزان کم سرمایه‌گذاری دولتی، میزان سرمایه‌گذاری خصوصی نیز در روستاها و بازارچه‌ها با توجه به جدول فوق، بسیار کم و منفی می‌باشد. میزان سرمایه‌گذاری خصوصی در بازارچه‌ها با میانگین ۲/۶۴۰ و میزان سرمایه‌گذاری خصوصی در روستاها ۲/۵۲۰ می‌باشد. اختلاف میانگین در هر دو عامل به ترتیب برابر با ۰/۳۶۰۰۰- و ۰/۴۸۰۰۰- می‌باشد و نشان دهنده این موضوع است که سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در روستاها (بیشتر در بخش کشاورزی و باغداری و به میزان بسیار کم صورت گرفته است) و سرمایه‌گذاری بازارچه‌های مرزی به دلیل فقدان سرمایه کافی و عدم امکانات توسعه در روستاهای مرزی بسیار کم می‌باشد. از لحاظ شاخص مدیریت محلی، نقش دولت در کنترل امنیت با میانگین ۳/۶۴۰ دارای بیشترین ضریب میانگین و افزایش و رونق محصولات کشاورزی، صنعتی و صنایع دستی با میانگین ۲/۴۸۰ دارای کمترین میزان بوده که از لحاظ اختلاف میانگین ۰/۵۲۰۰۰- دارای ضریب تغییرات بالایی و منفی

می‌باشد. از لحاظ شاخص‌های دانش و مهارت، میزان انسجام و همیاری بین مردم روستا با میانگین $3/720$ دارای بیشترین عامل مشارکت و میزان آموزش و دانش بومی با میانگین $2/240$ دارای کمترین میانگین بوده است. اختلاف میانگین در هر دو عامل به ترتیب برابر با $0/72000$ و $0/76000$ - که دارای بیشترین و کمترین اختلاف با یکدیگر می‌باشند و نشان دهنده این موضوع است که انسجام و همکاری و همیاری در بین روستاییان مورد مطالعه زیاد و مثبت و میزان آموزش و مهارت در بین روستاییان مورد مطالعه به میزان کم و منفی می‌باشد. چهارمین شاخص مشارکت مردم در بازارچه‌های مرزی زیرساخت‌ها می‌باشد. از لحاظ میانگین در این شاخص توسعه خدمات نوین مانند اینترنت، موبایل با میانگین $3/680$ دارای بیشترین میانگین و درصد اراضی آبی کشاورزی و مرتعی با میانگین $2/200$ دارای کمترین میانگین می‌باشد. اختلاف میانگین در این عوامل به ترتیب $0/68000$ دارای تغییرپذیری مثبت و زیاد و $0/80000$ - دارای تغییرپذیری منفی و کم می‌باشد. همانطور که از نتایج جدول ۱۰ مشخص است میزان تأثیر عوامل مختلف بر مشارکت مردمی در حد متوسط و پایین است. رابطه بین روستاها با بازارچه‌ها بسیار کم می‌باشد و روستاهای مورد مطالعه سهم چندان زیادی از منافع آن ندارند. در نهایت از ترکیب مفاهیم در جدول ۱۰، مقوله‌های مهم و مؤثر بر تبیین وضعیت برنامه‌ریزی مشارکتی روستایی بازارچه‌های مرزی شهرستان سردشت مشخص شده است. مقوله‌های مهم حاصل در جدول ۱۱، شامل موارد زیر است:

جدول ۱۱- مقوله‌های استخراجی مرتبط با برنامه‌ریزی مشارکتی با تأکید بر بازارچه‌های مرزی و بر طبق تحلیل محتوای استقرایی

مفاهیم	مقوله‌ها
تاثیرات مثبت اقتصادی بازارچه‌های مرزی	تاثیرات مطلوب بازارچه‌های مرزی بر توسعه روستایی
کاهش نسبی قاچاق کالا توسط بازارچه‌های مرزی	
نقش مثبت بازارچه‌ها در کاهش مهاجرت به شهر	
تأثیر نسبی بازارچه بر احساس رضایت مردم از زندگی	
وجود افراد سودجو و غیربومی	وجود افراد غیربومی و سودجو در منطقه
مشکلات و چالش‌های بازارچه‌های مرزی	وجود مشکلات و چالش‌های بازارچه‌های مرزی
مشکلات قوانین و آیین نامه‌ها	
نقش اندک بازارچه‌ها در رونق ایده‌ها	
تأثیر بازارچه در ایجاد فاصله طبقاتی	
ضعف زیرساخت‌ها و خدمات در منطقه	ضعف زیرساخت‌ها و خدمات در منطقه
وضعیت سیاسی و اجتماعی کشور همسایه	دسترسی به بازارهای مصرف داخلی و خارجی
موقعیت مهم ارتباطی - سیاسی شهرستان	
دسترسی به بازارهای مصرف داخلی و خارجی	
تاثیرات ضعیف بازارچه‌ها بر بهبود محیط زیست شهرستان	تاثیرات ضعیف و اندک بازارچه‌ها در برخی ابعاد
ضعف صنایع دستی در منطقه و تاثیرات اندک بازارچه‌های مرزی	
ضعف فعالیت‌های کشاورزی به دلیل ناهمواری زیاد و آب محدود	
تاثیرات خدمات و سرمایه در جلب مشارکت مردمی	تاثیرات خدمات و توانمندسازی و سایر ابعاد بازارچه‌ها در مشارکت مردمی
نقش توانمندسازی در افزایش مشارکت مردمی در بازارچه‌های مرزی	
نقش قاچاق کالا در مشارکت مردمی در بازارچه‌ها	
نقش بازدیدکنندگان از بازارچه‌ها در رونق بازارچه	
ضعف همیاری و مشارکت مردمی	ضعف همیاری و مشارکت مردمی

(منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷).

جدول ۱۱، مقوله‌های استخراجی مرتبط با برنامه‌ریزی مشارکتی با تأکید بر بازارچه‌های مرزی و بر طبق تحلیل محتوای

استقرایی را نشان می‌دهد. با توجه به جدول نتایج زیر حائز اهمیت می‌باشد:

- تأثیرات مطلوب بازارچه‌ها در ابعاد مختلف: این تاثیرات در بخش‌های اقتصادی و غیراقتصادی به صورت نسبی بالا و عمدتاً نسبی مشاهده شده است. از جمله اینکه بازارچه‌ها در کاهش قاچاق کالا و ایجاد امنیت نقش مثبتی داشته است. در مجموع به نظر می‌رسد بازارچه‌ها در برخی ابعاد توانسته‌اند احساس رضایت را در بین مردم ایجاد نمایند.

- در کنار منافع، باید به مضرات و مشکلات بازارچه‌های روستایی نیز اشاره کرد. بازارچه‌ها به دلیل اینکه جذب‌کننده تنها بخشی از جامعه روستایی بودند در ایجاد شکاف طبقاتی بین جامعه و ایجاد دوگانگی‌های فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار بودند (عدم رابطه مطلوب بین روستاها با بازارچه‌ها).
- نکته مهم در ارتباط با مبحث مشارکت مردم روستا در بازارچه‌های مرزی شهرستان، موقعیت مرزی و ارتباطی - سیاسی است. وجود اقلیم کردی در آن سوی مرزهای شهرستان و اشتراکات فرهنگی بین دو مردم زمینه‌پیوندها و ارتباطات بین مردم و مسئولین را فراهم کرده است. از طرفی تحولاتی که در سال‌های گذشته در عراق ایجاد شده است، موجب گرایش بازار مصرف به سمت ایران شده است. در واقع دسترسی شهرستان به بازار مصرف به ویژه بازار خارجی به عنوان یک نقطه قوت در نظر گرفته می‌شود. ارتباطات سیاسی دو کشور در کنار نبود واحدهای خدماتی و صنعتی در کشور همسایه و اشتراکات دو کشور، زمینه مناسبی را جهت همکاری فراهم کرده است.
- در ارتباط با عوامل تأثیرگذار بر مشارکت مردمی در بازارچه‌های مرزی، نقش خدمات ارائه شده در بازارچه‌ها بی‌تأثیر نبوده است. خدمات ضعیف ارائه شده از یک طرف و عدم سرمایه‌گذاری دولتی در بازارچه‌ها، انگیزه مشارکت مردم در بازارچه‌ها را کاهش داده است (ضعف سرمایه‌گذاری دولتی).
- ضعف مدیریت، ضعف زیرساخت‌ها و خدمات در منطقه از مهم‌ترین عوامل و محدودیت‌های مؤثر در عدم مشارکت روستایی در بازارچه‌ها می‌باشد (ساختار ضعیف در مدیریت روستایی).
- تأثیرات ضعیف و اندک بازارچه‌ها در برخی ابعاد مانند محیط زیست شهرستان، ضعف صنایع دستی در منطقه و ضعف فعالیت‌های کشاورزی به دلیل ناهمواری زیاد و آب محدود بر عدم مشارکت روستاییان در بازارچه‌ها تأثیر گذار بوده است.

نتیجه‌گیری:

مشارکت در برنامه‌ریزی توسعه روستایی، متکی بر ملاحظات زیست محیطی و ایجاد فضای پایدار روستایی بوده و تحقق آن در سطح عملی و عینی مستلزم دگرگونی در فضابندی‌های سنتی و تکیه بر واحدهای جغرافیایی بویژه روستاها به مثابه نمود عینی پایداری و توسعه پایدار می‌باشد. به منظور سنجش عوامل و فرایندهای مؤثر بر روابط روستاها با بازارچه‌ها با بررسی تحلیل کیفی صورت گرفته در این ارتباط می‌توان مهم‌ترین عوامل و مقوله‌های مؤثر در این زمینه را این گونه عنوان کرد:

تأثیرگذاری نسبی بازارچه‌های مرزی در توسعه اقتصادی روستایی: اگر ملاک، مسئله اصول اقتصاد پایدار باشد و به مؤلفه‌های مهم و اساسی اقتصاد تاکید شود، تأثیرگذاری بازارچه‌ها بر روستا متوسط و محدود بوده است. در واقع بازارچه‌ها نتوانسته‌اند تأثیرات عمیق و متحول‌کننده بر اقتصاد روستایی برجای بگذارند به نوعی همچنان سطح اقتصادی عموم مردم متوسط رو به پایین است و همچنین سیستم اقتصادی کلیه روستاها بر همان روال کشاورزی می‌چرخد و دگردیسی خاصی بر اقتصاد روستاها حاکم نشده است. **تأثیرگذاری مهم بر معیشت روستایی:** در صورتیکه ملاک، سنجش نیازهای اساسی اقتصادی باشد، عملکرد بازارچه‌ها تقریباً موفق بوده است چرا که بسیاری معتقد بودند در نبود بازارچه‌ها عملاً فعالیت‌های اقتصادی روستایی با بحران شدیدی روبه‌رو می‌شد. بنابراین تأثیرگذاری مهمی از منظر معیشت قابل ادراک است. **افراد غیربومی و سرمایه‌گذاران غیرمحلی:** در برنامه‌ریزی مشارکتی، اصل بر حکمروایی و مدیریت محلی است اما در بازارچه‌ها ورود افراد غیربومی و سرمایه‌گذاران مختلف به چشم می‌خورد و همچنین دولت بعضاً در نقش یک فرد مخرب به خاطر ضعف مدیریت ظاهر شده و سیاستگذاری‌ها و قوانین را در جهت رفاه مردم تدوین نمی‌کند. **شکست در بازساخت اقتصادی روستاها:** بازساخت اقتصادی روستا به معنای ایجاد سیستم اقتصادی جایگزین یا مکمل کشاورزی است. در این منطقه که به خاطر ناامنی، فعالیت‌های صنعتی چندان رواج ندارد و کشاورزی نیز با رکود رو به‌رو است، بازارچه‌های محلی می‌توانست راهبرد خوبی برای صنعتی‌سازی روستایی شود، اما عملاً بازارچه‌ها نتوانسته‌اند ایفاگر این نقش باشند.

قوانین و آیین‌نامه‌های نامتناسب بازارچه‌های مرزی: در بازارچه‌های مرزی الزاماً حقوق و منافع روستاهای پیرامون در نظر گرفته نشده است. قوانین و آیین‌نامه‌ها با ایراداتی روبه‌رو است و ضمانت اجرایی چندانی ندارد. به نظر می‌رسد نیاز به بروزرسانی در قوانین و ایجاد یک برنامه‌ریزی مدون در جهت به کارگیری نقش روستاها در توسعه بازارچه‌های مرزی است. **ضعف همیاری مردمی:** در کنار ضعف تشکلهای مدنی محلی، ماهیت همکاری و کارهای گروهی بین روستاییان نیز ضعیف است که بخشی از آن به عدم اعتماد مردمی بین یکدیگر در زمینه ایجاد تعاونی‌ها و مدیریت اشتراکی ابزار و امکانات مربوط می‌شود. **تأثیرات منفی بازارچه‌های مرزی:** این ضعف‌ها عمدتاً در حوزه افزایش قیمت زمین، افزایش تضاد طبقاتی و ایجاد دوگانگی فرهنگی و تغییرات کاربری اراضی نامتناسب می‌باشد. با توجه به موارد

فوق، فرضیه اول که ساختار در مدیریت روستایی، ضعف سرمایه گذاری‌های دولتی و مدیریت ضعیف بازارچه‌ها را از مهم‌ترین عوامل و محدودیت‌های مؤثر در برنامه ریزی مشارکتی روستایی شهرستان سردشت می‌داند، تأیید می‌شود.

در بخش تحلیل روابط و پیوندهای بین روستاها با بازارچه‌های مرزی به نتایج بخش تأثیرگذاری بازارچه‌ها بر توسعه روستایی و عوامل جلب مشارکت روستایی در بازارچه‌ها رجوع شده است. بر اساس نتایج جدول ۴، تأثیرگذاری بازارچه‌ها بر بعد زیست محیطی اندک و محدود بوده است و اساساً به گونه‌ای نبوده که بتواند اثرات مثبت بر محیط زیست بگذارد و با وجود اینکه میزان تأثیرات بیشتر از بعد زیست محیطی بوده اما در مجموع باز هم میزان تأثیرات متوسط و نسبی بوده و نمی‌تواند بیان کننده ارتباط قوی بین روستاها با بازارچه‌ها باشد.

در بعد اقتصادی در جدول شماره ۵، بیشترین تأثیر بازارچه‌های مرزی در کاهش مهاجرت مردم از روستاها به شهرها بوده و در کنار این مسئله افزایش حس خودباوری و اعتماد، میزان انگیزه آن‌ها برای فعالیت در بازارچه‌ها و افزایش حس تعلق و ماندگاری به روستاها از دیگر اثرات مربوط به روستاها می‌باشد، هر چند که این میزان محدود و نسبی است. در مجموع در ارتباط با مدیریت محلی و شاخص‌های حکمروایی خوب و ایجاد تشکلهای مدنی و همیاری، تأثیرات بازارچه اندک بوده و نمی‌تواند چندان موجب پیوند و مشارکت بین روستاییان با بازارچه‌های مرز باشد. نتایج نشان می‌دهد که روستاها تأثیرات متفاوت و اندکی نسبت به هم از بازارچه‌های مرزی پذیرفته‌اند. در ارتباط با عوامل مؤثر بر جلب مشارکت مردمی نیز میزان تأثیرات عوامل محدود و متوسط بود. با وجود اینکه شاغلین قبلی بازارچه‌ها و وجود منافع اقتصادی و پدیده قاچاق و مبادلات اقتصادی و غیره در جلب مشارکت مردمی مؤثر بوده است، اما بیشتر شاخص‌ها فاقد قدرت لازم به منظور ایجاد ارتباط لازم بین بازارچه‌های مرزی و روستاهای پیرامون است. با توجه به موارد فوق، فرضیه پژوهش که به ارتباط نسبتاً ضعیف روستاها با بازارچه‌ها تأکید دارد، تأیید می‌شود. بنابراین مدیریت روستایی در رویکرد جدید خود بایستی به سمتی برود که با به رسمیت شناختن اهمیت توان ذهنی و فیزیکی روستائینان، تلاش کند با توجه به سطح پذیرش و نوع نگرش مردم هر مکان، فرصت‌های مناسب را برای حضور فعالانه تمامی افراد فراهم سازد.

منابع و مأخذ:

۱. احمدی، شیرکو و توکلی، مرتضی، (۱۳۹۵): مهاجرت و اثرات آن بر ساختار کشاورزی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر سردشت)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۸، شماره ۴، صص ۶۵۹-۶۴۵.
۲. احمدی‌پور، زهرا؛ حافظ‌نیا، محمدرضا و محمدپور، علی، (۱۳۸۷): تأثیرات اقتصادی و اجتماعی بازگشایی مرزها نمونه موردی: بخش باجگیران در مرز ایران و ترکمنستان، دوره ۴۱، شماره ۶۵ صص ۱۸-۱.
۳. استعلاجی، علیرضا، (۱۳۹۱): بررسی الگوی مدیریت روستایی در ایران با تأکید بر مدیریت محلی و مشارکتی دهیاری‌ها؛ فصلنامه جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیای ایران)، دوره جدید، سال دهم، شماره ۳۲، صص ۲۵۸-۲۳۹.
۴. افتخاری، عبدالرضا رکن الدین؛ پاپلی یزدی، محمد حسین و عبدی، عرفان، (۱۳۸۸): ارزیابی تأثیر اقتصادی بازارهای مرزی بر بازتاب توسعه مرزها (مطالعه موردی: بازارچه مرزی شیخ صالح، ثلاث باباجانی، استان کرمانشاه)، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۴، شماره ۱۲، صص ۸۲-۱۰.
۵. بدری، علی؛ دربان آستانه، علیرضا و سعدی، سیما، (۱۳۹۶): تأثیر بازارچه‌های مرزی بر ارتقاء شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی مناطق روستایی مرزنشین (مطالعه موردی: مرز باشماق مریوان)، فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی، سال هفتم، شماره ۳ (پیاپی ۲۶)، صص ۶۲-۴۱.
۶. پاپلی یزدی، محمدحسین و ابراهیمی، محمد امیر، (۱۳۹۴): نظریه‌های توسعه روستایی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۷. تقوایی، مسعود؛ طهماسبی‌پور، راضیه و نصرت مرادی، حسین، (۱۳۹۰): تعیین و تحلیل سطوح برخورداری شهرستان‌های استان بوشهر با استفاده از مدل اسکالوگرام، فصلنامه آمایش جغرافیایی فضا، دوره ۱، شماره ۲، صص ۷۴-۵۹.
۸. جمعه‌پور، محمود، (۱۳۸۹): توسعه پایدار شهری، استاندارد کیفیت زندگی و توسعه فضای شهری، ماهنامه علوم اجتماعی، دوره جدید، شماره ۳۲، صص ۹۳-۸۶.
۹. حافظ‌نیا، محمدرضا، (۱۳۹۷): جغرافیای سیاسی ایران. تهران، انتشارات سمت.
۱۰. حسن‌پور بغده‌کندی، حسن، (۱۳۹۱): وضعیت و جایگاه مشارکت و عوامل مؤثر بر آن در برنامه‌ریزی روستایی (مطالعه موردی: جمعیت روستایی شهرستان بوکان)، فصلنامه اطلاعات جغرافیایی سپهر، دوره ۲۱، شماره ۸۱، صص ۸۵-۸۰.
۱۱. دادورخانی، فضیله؛ سلمان، محمد، فرهادی، صامت و زارع، زهره، (۱۳۹۰): حکمروایی خوب راهبردی برای کاهش فقر روستایی، فصلنامه نگرش-های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره چهارم، صص ۱۲۰-۱۰۳.
۱۲. رضوانی، محمدرضا؛ بدری، سیدعلی، ترابی، ذبیح‌الله و حاجری، بهرام، (۱۳۹۵): شناسایی راهکارهای توسعه روستایی با استفاده از چارچوب مشارکتی SOAR مورد: روستای میغان، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، جلد ۵، شماره ۱۸، صص ۴۳-۲۷.

۱۳. رفیع، ابوالفضل؛ شیری‌پور، مهدی و موسوی، سیدرفیع، (۱۳۹۴): رویکرد برنامه‌ریزی مشارکتی راه‌حلی برای توسعه شهری، نخستین همایش ملی جامعه، معماری و شهر، تهران، موسسه پژوهشی معماری و شهرسازی شبستان - انجمن جامعه شناسی ایران.
۱۴. زاهدی، محمد جواد؛ غفاری، غلامرضا، ابراهیمی، عادل، (۱۳۹۱): نقد نظری برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره ۱۲، صص ۲۴-۱.
۱۵. طالب، مهدی و عنبری، موسی، (۱۳۸۷): جامعه‌شناسی روستایی، ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. طیب‌نیا، سید هادی و منوچهری، سوران، (۱۳۹۵): نقش بازارچه‌های مرزی در توسعه اجتماعی و اقتصادی مناطق روستایی، مورد: روستاهای خاو و میرآباد شهرستان مریوان، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره ۵، شماره ۱۵، صص ۱۷۲-۱۴۷.
۱۷. عابدی سروستانی، احمد، (۱۳۸۵): جایگاه ترویج در توسعه با تأکید بر مشارکت، فصلنامه روستا و توسعه، دوره ۹، شماره ۱، تهران، صص ۱۶۶-۱۳۷.
۱۸. عنابستانی، علی اکبر؛ شایان، حمید، جلالیان، حمید، تقیلو، علی اکبر، خسرو بیگی، رضا، (۱۳۹۱): تحلیل عوامل ساختاری مؤثر بر مشارکت روستاییان در توسعه نواحی روستایی (مطالعه موردی شهرستان ایجرود استان زنجان)، فصلنامه تحقیقات کاربردی جغرافیا، سال ۱۲، شماره ۲۴، صص ۴۵-۲۵.
۱۹. قاسمی، محمدعلی، (۱۳۸۴): بررسی عوامل اقتصادی مؤثر در مشارکت روستاییان در برنامه‌های توسعه، فصلنامه روستا و توسعه، تهران، سال ۸، شماره ۴، صص ۱۱۲-۷۹.
۲۰. قدیری معصوم، مجتبی؛ ریاحی، وحید، (۱۳۸۳): بررسی محورها و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۳۶، شماره ۵۰، صص ۱۹۸-۱۷۷.
۲۱. قرنی آرنانی، بهروز، (۱۳۹۳): بررسی نقش برنامه‌ریزی مشارکتی در کاهش فقر روستایی به روش کیفی (مطالعه موردی: روستای لزور)، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۵، شماره ۳، صص ۴۸۸-۴۶۷.
۲۲. قنبری، ابوالفضل؛ سرداری، ایوب، زندکریمی، آرش، زندکریمی، شیدا، (۱۳۹۴): راهبردهای آمایش مناطق مرزی بر اساس مدل‌های SWOT - AHP و SWOT- ANP (مورد مطالعه: سیستان و بلوچستان)، دوره ۷، شماره ۱، صص ۱۶۴-۱۴۵.
۲۳. کریمی، آرام، مرادی، ثروت اله و تابعی، نادر، (۱۳۹۶): تعیین عوامل مؤثر در تنظیم مناطق مرزی (مطالعه موردی: شهرستان جواترود)، فصلنامه تحقیقات مرزی، سال ۶، شماره ۲، صص ۹۲-۷۱.
۲۴. گودرزی، محمد؛ نعمتی ینگجه، شکور، شیخ الاسلامی، علیرضا، (۱۳۹۳): نقش ارزیابی سریع مشارکتی PRA در توسعه مناطق روستایی (مطالعه موردی دهستان جوشین آذربایجان شرقی: روستاهای ینگجه سقایی و نگارستان)، اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی، تهران، موسسه آموزش عالی مهر ارون، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
۲۵. مطیعی لنگرودی، سیدحسین، (۱۳۸۲): برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه مشهد، مشهد.
۲۶. ویسی، فرزاد؛ داستوار، عدنان، (۱۳۹۵): ارزیابی نقش بازارچه‌های مشترک مرزی در توسعه پس‌کرانه‌های روستایی (مطالعه موردی: بازارچه‌های پیران و دره وران مریوان)، فصلنامه علوم و فنون مرزی، دوره ۵، شماره ۱۶، صص ۲۱-۱.
27. Chandoevrit, Worawan, Yongyuth Chalamwong, Srawooth Paitoonpong (2004): THAILAND S CROSS BORDER ECONOMY, A CASE STUDY OF SA KAYOED CHIANG RAI, Thailand Development Resource Institute.
28. Leebouapao, Leeber; Phonesaly Souksavath, Phetsamone Sone, Souphith Darachanthara, Vanthana Norintha; (2004): LAO PDR CROSS BORDER ECONOMY, CASE STUDY IN DANSAVANH, SAVANNAKHET, and Houaysai/ Tonpheung, Lao PDR, National Economic Research Institute. 44-59.
29. Murshid.K.a.s, Tuot, Sokphally; (2005): THE CROSS BORDER ECONOMY OF CAMBODIA CAMBODIA DEVELOPMENT RESOURCE INSTITUTE, Development Analysis Network with the Support of the Rockefeller Foundation Phnom Penh. 104-126.
30. Niebuhr, A (2005): THE IMPACT OF EU ENLARGEMENT ON EUROPEAN BORDER REGIONS, HWWA Discussion Paper, No33, P28.
31. Niebuhr, A, & Stiller, S; (2002): INTEGRATION EFFECTS IN BORDER REGIONS-A SURVEY OF ECONOMIC THEORY AND EMPIRICAL STUDIES, Hamburgisches welt – Wirtschafts – Archive (HwwA) Hamburg institute of international Economics, ISSN, 1608 – 1616. Lewis, David And Weigert Andrew (1985), Trust As A Reality, Social Forces, Vol 63 No 4, PP: 976-985.

32. Terluin, Ida; (2003): DIFFERENCES IN ECONOMIC DEVELOPMENT IN RURAL REGIONS OF ADVANCED COUNTRIES:AN OVERVIEW AND CRITICAL ANALYSIS OF THEORIES; Journal of Rural Studies 19 (2003) 327-344 .

